**مطلب دوازدهم \_ دربارهٴ مبدأ و**

**معاد و حشر و نشر**

در لوح سید یوسف اصفهانی از قلم مبارک نازل قوله تعالی : " و اما آنچه سئوال نمودی از مبدأ و معاد و حشر و نشر و صراط و جنت و نار کلها حق لا ریب فیها و موقن بصیر در کل حین جمیع این مراتب و مقامات را بچشم باطن و ظاهر مشاهده مینماید چه که هیچ آنی از امری محروم نه و از فضلی ممنوع نخواهد بود و اگر بسموات فضل الٓهی طیران نمائی در هر آنی امورات محدثه در کل اوان را چه از قبل و چه از بعد مشاهده نمائی و در هر شئ کل ما یظهر و یحدث فیکل شئ مشاهده کنی چه که فضلش مخصوص بشئ دون شئ نبوده و نخواهد بود و لکن مقصود الهی از حشر و نشر و جنت و نار و امثال این اذکار که در الواح الهیه مذکور است مخصوص است بحین ظهور مثلا ملاحظه فرما که در حین ظهور لسان الله بکلمه تکلم میفرماید و از این کلمه مخرجه عن فمه جنت و نار و حشر و نشر و صراط و کل ما سئلت و ما لا سئلت ظاهر و هویدا میگردد و هر نفسیکه بکلمه بلی موفق شد از صراط گذشت و بجنت رضا فائز و همچنین محشور شد در زمره مقربین و مصطفین و عند الله از اهل جنت و علیین و اثبات مذکور و هر نفسی که از کلمة الله معرض شد در نار و از اهل نفی و سجین و در ظل مشرکین محشور اینست ظهورات این مقامات که در حین ظهور بکلمه ظاهر میشود و لکن نفوسیکه موفق شده‌اند برضی الله و امره بعد از خروج ارواح از اجساد باجر اعمال در دار اخری فائز خواهند شد چه آنچه در این دنیا مشهود است استعداد زیاده بر این موجود نه اگر چه کل عوالم الهی طائف حول این عالم بوده و خواهد بود و لکن در هر عالمی از برای هر نفسی امری مقدر و مقرر و همچه تصور مکن که آنچه در کتاب الله ذکر شده لغو بوده فتعالی عن ذلک قسم بآفتاب افق معانی که از برای عباد جنت‌های لا عدل لها بوده و خواهد بود ولکن در حیات اولی مقصود از جنت رضای او و دخول در امر او بوده بعد از ارتقاء مؤمنین از این دنیا بجنات لا عدل لها وارد و به نعمتهای لا تحصی متنعم و آن جنان ثمرات افعالیست که در دنیا بآن عامل شده آیا ملاحظه نمی نمائید که یکی از عباد که خدمت نفسی نماید و زحمتی از برای او تحمل کند اجر و مزد خود را اخذ مینماید چگونه میشود کریم علی الاطلاق امر فرماید عباد را باوامر خود و بعد عباد خود را از بدایع رحمت خود محروم فرماید ....

باری جنت و نار در حیات ظاهره اقبال و اعراض بوده و خواهد بود و بعد از صعود روح بجنات لا عدل لها و همچنین بنار لا شبه لها که ثمراعمال مقبل و معرض است خواهد رسید و لکن نفسی جز حق ادراک آن مقامات ننموده و نخواهد نمود و از برای مؤمن مقاماتی خلق شده فوق آنچه استماع شده از بدایع نعمتهای الهی که در جنتهای عز صمدانی مقدر گشته و همچنین از برای معرضین فوق آنچه مسموع شده از عذابهای دائمه غیر فانیه ....

 .... ای عبد من ای یوسف بشنو نغمات الهی را و الیوم را قیاس بیومی مکن و کلمات ابدع احلی را قیاس بکلماتی منما بعین خود در امورات ظاهره نظر کن و باحدی در عرفان نیر اعظم متمسک مشو و الیوم بر کل احبای الهی لازم است که آنی در تبلیغ امر تکاهل ننمایند و در کل حال بمواعظ حسنه و کلمات لینه ناس را بشریعه عز احدیه دعوت نمایند چه اگر نفسی الیوم سبب هدایت نفسی شود اجر شهید فی سبیل الله در نامهٴ عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد اینست فضل پروردگار تو دربارهٴ عباد مبلغین ان اعمل بما امرت و لا تکن من الصابرین "